سال اول – شماره ۷۵ صبح یك شنبه ۲۸ آبان ماه ۱۳۲۲ تکشماره یکریال

اثیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پشیه وری

آذر روزهای یکشنبه - سه‌شنبه - پنجشنبه منتشر میشود

«بهای اشتراك»

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و معلمین و کارمندان مزد و ارشد صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها بادفتر اداره است

جای اداره :
(تمبارمان خیابان جلب کوچه صاحبیان)

جواب افکار پریشان

خالصی زاده

در روزنامه‌های طرفدار آقای سید ضیاءالدین مقاله طولانی از آقای خالصی زاده منتشر گردید ایشان در این مقاله پس از شرح دادن یک سلسله مطالب مطبوعه مطبوعه سر سید ضیاء الدین کشانده میگوید که شاه سابق از ساده‌ای بوده! زمان فراغی ایشان گفته است «ملت سقوط سید ضیاء الدین و استقلال مکری و عدم انتباه محض و رعایت مصالح ایران در ضمن مواجهت با مصالح سیاسی انگلیس است» و خود آقای خالصی‌زاده عقیده اش این است که شاهسابق فقط در اثر اطاعت کور کورانه بود که بمقام سلطنت رسیده واست آزاد انداده بدهد.

ما اولا شاه سابق را خیلی هم مقام سپاه‌ایم و بود مخصوصاً غیر شخصی بود بعیده ما میار با هیلوی دوره‌ای وجد و بود است اگر اینطور نبود مسئولیت وفبای از دوره خود بود و بود است آنها را بخود بود و بود است وفبای از دوره خود بود و بود است مثل سید ضیاء و مرحاهر فرامرت الدوله و مرداد مقصود خواسا و بی‌تی راد و سدر بن و سایر بن با خود همراه کرده بود پس از استفاده وجود آنها با خود مخصوصا را زمینه‌ها بی‌مقاومت‌ری از سرداد خود بود از و هنی خود مدرس را که مرد با هوش و مدبر و شجاع مهروف است در قدم های اولیه با خود همراه ساخته بود خود آقای خالصی زاده هم باید فراموش کرده باشند که ارتشام نظامرات خیلی وسفی ایشان کسی که توانست بعضی مقاله کند همان شاه سابق بود.

اگر در بالاپهای کوه گوئی که برای بدست آوردن سلطنت رنگ‌های آن از ایشان دیده است یا نظر بدقت بنگریم شواهد دیده حقیقه او و داشتن کردن انکار وجود اساسی و مبنای حقیقی خویش مهارت‌ورزی کرده‌اند آو نیست ما را بیکار برداشت

عنصا آقای خاصی زاده نمیتوانند بدست بکنند که آنچه نظا هرانی که بر دلوسوبه روزهای ایران بوسیله تشکیل دست ومجالس هراداری و خاك و کاه سر ریختن دوره هاشورا بحرج مردم بیداد از روی کامل خلوص و سادگی بوقوع داده بود است.

آدم مدعی مگر منکر نیست به وابدمیام جمهوریت نهضتی ایجاد کرده آنرا برای بدست آوردن سلطنت بکار برد.

یکی از روسای بختیاری که در رهانیا ما هم بر کبریدود از خودداری و سرپوشی شاه سابق چزهای حیرت آوری نقل میکرد مثلا میگفت همه آماتیکیه برای ارزیش مردن ماهیتش شیدند بهانه آنکه شاه سابق دو این بود که بودهاز ویزیك شفته بسیاروقبلی مدت بواسطه و کالتدوارانستاندارای وفبره افغال نمود بتهران کشیده بود در مدت چند سالی که این نقشه پنهانی را تعقیب میکرد بنیر کار خود حلی در مدارك خارجی‌ساز دیگر مثلت لنك که زندانی ودنبیه مخصوصاً بوزیر بنك بانداوزای سیرت بیگانگی نشانداده جز او بهیچ‌ترین‌ترتیبی فکر نکنیم جز او توقیف ناگهانی خودمان حتی خیلی که نشده توقیف‌را و اجرا میخواست.

چیکوبه‌ممکن است امروز اداره‌مدعه با وضعیت ماموره دیا ایشان با میل واراده‌وموردیاس‌ان آمده در مقدمات‌ملال و آزادی ایران بتواند نمونه‌ای موثری بر داود هنگر تصدیق بکنیم که از اول سید به بیگانگان خیانت دین بود نبوده یا آقا از صدرت خود پشیمان شده تنهد فرضتر وقوایای مشتر ترى داده است.

در حالات وزیر که از طرف آمای خالصی‌زاده نراوش کرده « اگر بنا است آقای سید ضیاءالدین در اداره‌باشد مخالف اشخاص ایرانی نمیتواند اشاره از ایران خارج کند واگر بنا است که تمام مارك داری هزاران اهالی من اعتنا ایشان را نگاه بدارد » چنین میآید که ایشان هم عاشق همه طرف دار سید برای وجود واولاده عناصر ایرانی هم بگوید اوزشی قائل نیستند وزیر کمال باس و هدیتی منتظرند که دیگران سرنوشت ملت و کشور ما را تعیین بکنند چون سید ضیاء الدین مهر از سایر این مقاصد معنویت دیگران را حاصل میکند لذا لازم است از مخالفت ایران با دست بیگانگان بکوشند و کار را بدست خود بگیرند.

چه حال اگر شهادت آقای خالصی زاده صحت هم داشته باشد مهج داغی ندارد که ما مرادهای خاك را که در مبنی مشرق خود را بوده است باور بکنیم آنهم شاهی که بیر از شوددر دنیا کسی را او حمام نمیکرد آنهم شاهی که باشاه سرمهای سرآلوستری که واجع بسیاست وسیاست خارجی او دو دهنها است نمیتوانست معرکی بدست بدهد.

اگر شهادت آقای خالصی زاده وایشکه‌های طرفدار داران سامه سید وبط بعضیم وهمه وارق بیاید اینکه شوره او از فلسطین بواسطه مصعر شیرود برای ایران اومنتن فرمانده‌بودند بیگدارید این نتیجه‌برسیم که آقایان طرفداران بگویند همه شاه باکست و یاری بیگانگان روی کار آمده خواسته است کلاسر آنها بگذارد و بر خلاف آنها رفتار کند.

ما نصیحت اول آنرا البته مدعوت بعدالیم و هیبت باصطلاح امروزی از آن اتفاط سند کرده بود و توجه چهارم مجلس شورای ملی هم روی این اصل بوده‌است که اعضا باشد طرفداران ایشانیز اودو دلیل بعدخودشان و از قیام بر علیه مشروطیت و با هم دستی با بیگانگان از طرق اجتماعی مصروح نموده است. ولی قسمت دیگر آن حصل حرف وجیه است آقایان برای اثبات آن هیچگونه دلیل وسند کردی دست نداوند تازه اگر واقعاً دو عامل سید دست خارجی در کار بوده او را برای خیانت از او بیرون رفتاری پاپین کشیده بجارج بر به نوده باشد عملی بکشند شاه با وزیر جنك طبق قرارمعمولی تخته بازی میکرد وباکمال خونسردی در دو باخت اظهار احساسات شیوه و تبریکهای کمیک آمیز از دوراو شده بود و نه است اگر اینطور نبود مسئولیت وفبای از دوره خود در مثل سید ضیاء و مرحاهر فرامرت الدوله مرداد مقصود خواسا و بی‌تی راد و سدر بن و سایر بن با خود همراه کرده بود پس از استفاده وجود آنها با خود مخصوصا را زمینه‌ها بی‌مقاومت‌ری از سرداد خود بود از و هنی خود مدرس را که مرد باهوش و مدبر و شجاع مهروف است در قدم های اولیه با خود همراه ساخته بود خود آقای خالصی زاده هم باید فراموش کرده باشند که ارتشام نظامرات خیلی وسفی ایشان کسی که توانست بعضی مقاله کند همان شاه سابق بود.

اگر در بالاپهای کوه گوئی که برای بدست آوردن سلطنت رنگ‌های آن از ایشان دیده است یا نظر بدقت بنگریم شواهد دیده حقیقه او و داشتن کردن انکار وجود اساسی و مبنای حقیقی خویش مهارت‌ورزی کرده‌اند آو نیست ما را بیکار برداشت

عنصا آقای خاصی زاده نمیتوانند بدست بکنند که آنچه نظا هرانی که بر دلوسوبه روزهای ایران بوسیله تشکیل دست ومجالس هراداری و خاك و کاه سر ریختن دوره هاشورا بحرج مردم بیداد از روی کامل خلوص و سادگی بوقوع داده بود است.

آدم مدعی مگر منکر نیست به وابدمیام جمهوریت نهضتی ایجاد کرده آنرا برای بدست آوردن سلطنت بکار برد.

یکی از روسای بختیاری که در رهانیا ما هم بر کبریدود از خودداری و سرپوشی شاه سابق چزهای حیرت آوری نقل میکرد مثلا میگفت همه آماتیکیه برای ارزیش مردن ماهیتش شیدند بهانه آنکه شاه سابق دو این بود که بودهاز ویزیك شفته بسیاروقبلی مدت بواسطه و کالتدوارانستاندارای وفبره افغال نمود بتهران کشیده بود در مدت چند سالی که این نقشه پنهانی را تعقیب میکرد بنیر کار خود حلی در مدارك خارجی‌ساز دیگر مثلت لنك که زندانی ودنبیه مخصوصاً بوزیر بنك بانداوزای سیرت بیگانگی نشانداده جز او بهیچ‌ترین‌ترتیبی فکر نکنیم جز او توقیف ناگهانی خودمان حتی خیلی که نشده توقیف‌را و اجرا میخواست.

چیکوبه‌ممکن است امروز اداره‌مدعه با وضعیت ماموره دیا ایشان با میل واراده‌وموردیاس‌ان آمده در مقدمات‌ملال و آزادی ایران بتواند نمونه‌ای موثری بر داود هنگر تصدیق بکنیم که از اول سید به بیگانگان خیانت دین بود نبوده یا آقا از صدرت خود پشیمان شده تنهد فرضتر وقوایای مشتر ترى داده است.

در حالات وزیر که از طرف آمای خالصی‌زاده نراوش کرده « اگر بنا است آقای سید ضیاءالدین در اداره‌باشد مخالف اشخاص ایرانی نمیتواند اشاره از ایران خارج کند واگر بنا است که تمام مارك داری هزاران اهالی من اعتنا ایشان را نگاه بدارد » چنین میآید که ایشان هم عاشق همه طرف دار سید برای وجود واولاده عناصر ایرانی هم بگوید اوزشی قائل نیستند وزیر کمال باس و هدیتی منتظرند که دیگران سرنوشت ملت و کشور ما را تعیین بکنند چون سید ضیاء الدین مهر از سایر این مقاصد معنویت دیگران را حاصل میکند لذا لازم است از مخالفت ایران با دست بیگانگان بکوشند و کار را بدست خود بگیرند.

ما نادانی و جهالت از این بالاتر نمیشود اولا باید آنها و طرفداران سید و لوك گونا گون سید را بیکدارکی حالی کرد که آقایان حرف بیگانگان را گنجوده سود استفاده فرار بعدید این خیانت است شا که میگوئید سید میخواهند سید را روی کار بیاورند اینها دیگر دیوانه خود و بیگانگانیکه درنظر دارید خیانت میکنید.

شاه بقین دارید سید را بیگانه میخواهند روی کار بیاورد و خودتان دارید اولو حمایت میکنید مردمانی که بیگانه بیطنی و خیرخواهی هستند که جنی بیگانگان هم باید شما وابسته‌ونقل‌شده جسوت بیگانگان تحت بیاندازند.

ولی ما متعدیم قضیه باین سادگی نیست همسایگان طبق بیمانیکه با ما دارند تا بیاورند استقلال وتمامیت کشور ما را محترم شمرده ازدخالت در کارهای داخلی ما کاملا خود داری نمایند هر دولتی که ما با بیگانگی عناصر جنوب و داخلی روی کار آورد و بر آنچه آقا دارد تا همدست دشمنان و همسایگان خارجی خودشرمند شود طبعوساده آنندمت وطرفداران سید ضیاء الدین باید بآن دقت وحدود تواند بین المللی و بیمانهای وصنی همکاری نکنند وما نتوانیم بهوسیم بیگانگان برای بهد باید دست خود را روی بکنیم دارد افتاد عنصا سی‌کند آن را بردم آنها بین‌ایم‌ولا بنه این حکم بسیار ساده بیچه‌گاه است نه غیر معتدل کنند حتما این سیاست عاطل و باری نیستکنند عاق و تعبیر و شورش باطلر از این است آن ها بر خلاف تقویت عقلا مردمان سید مسائل سیاسی را با تعبیر بین و روشنی میکرند ، هکست هاش بر در بی سید خودش گورگرین دلیلی است که ادعای ما را بثبوت میرساند.

آقای خالصی زاده هم لازم بود حد ازاینهمه خبط و خطاهای سیاسی این نیکه را برای مدارای بگیرند ما هرگذشته ایشان البته کارای خداوند دراین که چرا ایشان را دو توپیس بعد نگذاشن آورده بی‌اطلاع نیستیم عدداً حرف سه مقاله ایشان است او این حرف بیاد پیداست که ایشان هم مدعاشان مردمان مهول و فاسد و بیخرف دیگر مدعمعدعنند کهمگر کس‌ی‌ندانند دلایل وکاری کار باشد باید اولوطرفداری کرد دراین صورت تبلید واقع‌شده و آنها بنهوا‌هنت خیلی‌وقت هم شد اوجه‌کار دارند بکدارند همین شاه‌سید وزراء و کاکل و سر کار هستند کلاه‌ایشان رابگذند باحمایت از اشخصی که نه هدف و نه سیاست خارجیش شاه نیست وی به اصلی دارد گرفت است و نه اطرافیانش از خود صلاحیت و دیگر بی‌ارزش بروزداده‌اند تنها دیگر دارند کسی که معاف‌اند اختلافات است کسیکه میگوید دیگر از جاد و جنجالی که با چاقو کشان باجه اشرافها با حرفهای هزار پولی که روز نامه نگاران برای عالم کردن دیگر از جاد و جنجال در کارنیز وجیزا از آنها طرفداری میکنند این بحث و اختش بود باید بخش‌ی‌ی کرد میگوئید آقایان‌جای‌خود بشنشید با ایجاد و خفان و دو گفتگی برای کشوربخش‌ی دوست کنید دیگری سالبجاد دعوای کلاه پوستی وکلاه قیطه ، سر بسر بش کلی آرزوی مدارا ایرا دارا بسیار باید بخش‌ی‌ی کرد میگوئید که بسیار باید تاجیک باخر برسد آن وقت هرکه‌مرنی که بیفهمد کسی‌ی‌ی‌ی‌ی‌ی‌ی

آی منظور نظر خاطرشان و دارا مدارا باکاپیا ما است دیگر این همه

از طرف کنفرانس مسکو

هرقدر پایان جنگ و پیروزی نزدیك تر میشود مسائل صلح و اقتصادی بحران‌خطیرتر بیشتر از پیشتر گویا حاضر میگردد. گرچه این لزوم از همه اول مو بلود و متفقین در اموزی اختلاف نظر ها نتوانستند پایل بگردند ممکن است این عقیده هم آهنگی تاثیر سولی در هرمان صلح کرده و موجب طولانی شدن آن گردد و این در وضعیت صلح ، کمان مطلوب آن است است ، البته مسکو هرقدر از این اختلافات بکاهد کمتر است که به توافق کردن ممکن گردد، و نظری که در دیگر دیگر از جرائد خارجه ارائه از شده‌ش برای که کنفرانس موجود برای تسریع جنگ وپیروزی است کاملا صحیح اظهر میرسد ، آلمان ها بوسایل مختلف در صدد اخلال دیگر این کنفرانس برآمده و اتر آن حمله شایعات دروغی بوده که موضاع دستگاه‌های تبلیغاتی کشور های دست شاه‌ه‌ه‌

استیضاح بازی تمام شدنی نیست

روز پنجشنبه گذشته بنابود مجلس ملی تشکیل شده نماینده گانی که ازطرف استیضاح کرده بود بعد از ظهر دیروز سالون انتظار مجلس عده زیادی انتظار تشکیل جلسه را داشتند یکساعت بظهر یکی از مستخدمین مجلس را دوب ناخرطبه کمک آمبولانس طبه نجوانهبود میتوانید تشریف ببرید بخانه خود بعد از یکساعت دیگر دیروز بیشتر وارد مجلس گردیده بین وقت مجلس از طرف وزیر دادگستری ملاعبدالله مقدم مراغه ای که طرفدار ان دولت برای مهم زدن جلسه درمجلس حاضر نشده اند

بهر حال نماینده گانی که هنوز از انتخاب خود اطمینان قطعی ندارند از بیم دولت جرأت بروز نیستند دولت هم چون دیگران را گذرانده نمیتواند اینها واجواب قطعی بدهد لذا این کش مکش تمام شدنی نخواهد نمایند

مردم بی خاصه مادم عوام هواهسان کرده اند که امروز اسعاف نماینده الدین است اما این جهت به سهیلیات کابینه و به نماینده گان طرفدار دولت نمیکنند

بدهنی دوایی است اوایین میاورد کشف مفط ماجرا جوان و عاشر میکند همیشه خواهان هرج و مرج هستند سو. استفاده میکنند ملاعبدالله مقدم وان سید ضیاءالدین اوایین بیش آمد سبار خوشش

تشکیلات مرموز تروریستها

یوسف ارمنی و یاران او

یوسف میگفت هنگامیکه بجوجاسیم مقصود خود را عملی بکنیم کارجوب جوری پیش آمده بود. ماشین دلوشاه چند قدم پیش نرفته بسه من از دست راست فیروز ازپهلو مترمربعت را هدف قرارداده وبدیوبلی بدخانه هابین کی خواستیم دست بکار شویم بطور ناگهانی هیکل امین خودمان من و من وشاه سرشته اشاره کرد هنوز شاه افتاده آتوی حمت خارج شده کمت کام تمام شد دیگر بوجود شما احتیاج نیست برود بفکر خودتان باشید.

اظهارات یوسف ضمنا مقدار دو نفر تروریست مرموز مورد بحث میشود بنوشته مطلب را طوریکه مورد بحث قرار گرفته بود منهم بی توجه بدنبال کسی پیش خود میگفتم مطلب این ساده گی نباید باشد قضا ایرا کیست باید نیز کمت بدیگری باشد لذا بیکورگفتم یوسف فکر خیال نیکنی که همه اینها بازی دوامی باشد از کجا معلوم خود شهربانی عمداً همین وارد شما شده باشد تا بتوجه برسید چه بی ایکار را میخواستند بکنند به من چه دشمنی میگی بود داشته باشند؟

این حواجها یعنی در واقع سؤالات میهماند که آقای یوسف خان درین زورگی دوستانی سیاسی بسیار ساده ومشدی میگفتم آقای یوسف خان کارهای سیاسی هم باید بدستور کسی باشد که بیشتر میگفتم باشد مطلب را تشکیل سیاسی مهمی را چه بتوسیله مهم گردانیم چه با برای برانداختن یکی از رجال کشور برای او پاپوشی دوست کند

بعد از کارهدوی بیکار کردم گفت من که هم بهم بی میرسد همه بخیش را میدانستم ولی اینجایش را دیگر خواهد بود من که هر قدر فکر میکنم می بینم خیلی از خصوصیت باکسی دارند و بخانه بفشارند دوشیرا بنام هم واقعیت را لزوما میبرسید ماهم چیزهایدیگه از خصوصیت شنیده بودیم گفتیم

شایدهم شن شاصحیح باشد که میماند خیلی شما کاره ای سیاسی که ساده نیست

من چه میز ماهمدا با یوسف ملاقات کرده هر روز یکچیزی میپرسیدم که بلکه بتوانم مطلب را بجای سر بیاورم ماآنجاه هنوزهم مسئله سیرای من تاریخ و مرموز است اخلاق خود یوسف دوهین سادگی مردم فریبی بود از جا خبرمیدانم هر کس را مشناخت خوش بود هاینه آنکشت خود را نمیکرد در هرماجرائی که دویش دخالت نموده بود مخصوصا آخرین روزهای آدابش خیلی مرموز بنظر میامد مطلب را خود راجع به دوشت کردم از شما کمیته وخاصیت مرموز بود چه وسیله واز اهوا زیاد کرده برای چه او اضافه سودهزار بار بن مرگی را واگذار کرده اند

این حرفهای خود یوسف که چیزی نمیگریستیم میدوزهم که دیوانه بود سایرین بیشتر ازبوست باکسی دیگر مر بوط بوده مخصوصا دانستن او کار میکرد لذا از دستشان که بوده مانی باشند که نابود او آنها بیرون میاید.

شاعر این تشکیلات تروریستهای امروزه هنوزهم برای من مرموزاست

دنباله در خاطرات زندان — نگاه شماره ۲

در خاطرات اعلامیه کلاه پوستی

بنابراین اعلامیه کلاه پوستی آقای میه صادرنمیشد ... شرح شد

این جانب مفصل که شکل یک کتاب میشود ... برای شان دادن معلومات سیاسی و تاریخی ... آزادی مملکت هم فکر نمیکنند در بیرون مطلب هم ... مخصوصا ... حقیقی ما ... آزادی صدف بر مورد به ... آورده بود کرده مفهومی را که ... در همه دوش ... در جنگ خود ... و ... ولی خوشبختانه ... بوسیله ... مفهوم ... شما ... آزادی ... آنها ... بدهند.

... آقای ... آنها ... مملکت ... بیرون ... بکنند ... آزادی ... آنها ... بدهند ... آزادی ... آنها ... بدهند ... آزادی ... آنها ... بده